



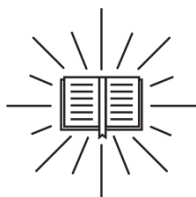
THE
MENTORING
PROJECT

کتاب مقدس و چگونه آن را بخوانیم



DAVID SCHROCK

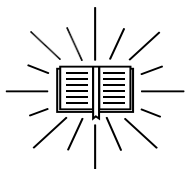
کتاب مقدس و چگونه آن را بخوانیم



DAVID SCHROCK
(دیوید شروک)

فهرست مطالب

مقدمه: خواندن کتاب مقدس آسان نیست	۴
بخش اول: کتاب مقدس چیست؟	۸
بخش دوم: کتاب مقدس از کجا آمده است؟	۱۴
بخش سوم: چه چیزی در کتاب مقدس هست (و نیست)؟	۲۵
بخش چهارم: چگونه باید کتاب مقدس را بخوانیم؟	۲۸
یادداشت‌های پایانی	۳۶



مقدمه:

خواندن کتاب مقدس آسان نیست

«من این کتاب را می‌گشایم تا با عیسی ملاقات کنم.»

اینها واژگانی است که با حروف طلایی بر بالای نخستین کتاب مقدس من نقش بسته است؛ یک کتاب مقدس پژوهشی کاربردی NIV. هنگامی که در دبیرستان بودم، این کتاب مقدس را به عنوان هدیه دریافت کردم و این نخستین کتاب از بین کتاب‌های بسیاری شد که می‌خواندم، زیر کلماتش خط می‌کشیدم، می‌فهمیدم و به اشتباه می‌فهمیدم. در واقع، این عبارت کوتاه را چند سال پس از آنکه عادت روزانه خواندن کتاب مقدس را آغاز کردم، بر روی جلد آن نوشتم. آن را در آنجا به طور برجسته نوشتم، زیرا در دوران دانشگاه نیاز داشتم به خودم یادآوری کنم که خواندن کتاب مقدس، صرفاً یک تمرین دانشگاهی نیست؛ بلکه تمرین ایمان است که در پی فهم می‌باشد. از این رو، خواندن کتاب مقدس برای حمد و ثنا (ستایش) و شاگردی (عمل) است.

یا حداقل باید کتاب مقدس را این گونه بخوانیم.

در طول قرن‌ها پس از تکمیل کتاب مقدس (امری که در ادامه به آن خواهیم پرداخت)، رویکردهای بسیاری برای خواندن کتاب مقدس وجود داشته است. بسیاری

از آن‌ها از ایمان برخاسته و به فهمی بزرگ انجامیده‌اند. چنان‌که مزمور ۲:۱۱۱ به ما یادآوری می‌کند: «کارهای خداوند عظیم است؛ آنان که از آنها لذت می‌برند، جملگی در آنها غور می‌کنند.» بنابراین، مطالعه کلام خدا همواره بخشی از ایمان واقعی بوده است. با این حال، همه رویکردهای خواندن کتاب مقدس به یک اندازه معتبر یا ارزشمند نیستند.

چنان‌که تاریخ نشان می‌دهد، برخی مسیحیان حقیقی، کتاب مقدس را به شیوه‌های غیر واقعی دنبال کرده‌اند. گاهی مسیحیان گوناگون به‌سوی عرفان گرایش یافته‌اند، در تمثیل فرو رفته‌اند، یا با سنت، اقتدار کتاب مقدس را تضعیف کرده‌اند. اصلاحاتی مانند نهضت اصلاحات پروتستان ضروری بود، زیرا مردانی همچون لوتر، کلوین و

وارثان آنان، کلام خدا را به جایگاه درست آن در کلیسا بازگرداندند، تا کسانی که در کلیسا هستند، بتوانند کتاب مقدس را به شیوه درست بخوانند. زیرا این واقعیت همچنان باقی است که کتاب مقدس سرچشمه و جوهر هر کلیسای سالم و تنها راه شناخت خدا و سلوک در راه‌های اوست. به همین دلیل خواندن کتاب مقدس و خواندن آن به‌خوبی، اهمیت فراوانی دارد.

جای شگفتی نیست که کتاب مقدس اغلب مورد حمله قرار گرفته است. در کلیسای اولیه، برخی حملات از سوی

رهبران درون کلیسا بود. اسقفانی مانند آریوس (۲۵۰-۳۳۶ میلادی) الوهیت مسیح را انکار کردند و افرادی همچون پلاگیوس (حدوداً ۳۵۴-۴۱۸ میلادی) فیض انجیل را انکار نمودند. در قرن‌های اخیر، شکاکانی که می‌گویند «کتاب مقدس محصول انسان‌هاست»، به کتاب مقدس حمله کرده‌اند، یا پست‌مدرن‌ها کتاب مقدس را منسوخ ساخته و آن را به «یکی از راه‌های بسیار به‌سوی خدا» فروکاسته‌اند. در محافل دانشگاهی، پژوهشگران کتاب مقدس اغلب تاریخ و حقانیت کتاب مقدس را انکار می‌کنند. در سرگرمی عامه‌پسند، کتاب مقدس، یا آیاتی که از زمینه خود جدا شده‌اند، بیشتر برای خالکوبی یا شعارهای روحانی به‌کار می‌روند تا برای توضیح جهان و هرآنچه در آن است.

خوانش عرفانی از کتاب مقدس، لایه‌های متعددی از معنا را که در متن پنهان است، کشف می‌کند.

خوانش تمثیلی از کتاب مقدس، متون دشوار را گرفته و به آنها تفسیرهای روحانی می‌دهد (برای مثال، اعدام عمالیقان توسط اسرائیل تبدیل می‌شود به فرمانی اخلاقی برای کشتن گناه).

خوانش سنتی از کتاب مقدس، آموزه‌های بشری را هم‌سطح کتاب مقدس قرار می‌دهد (برای مثال، کاتولیک رومی).

کتاب مقدس و چگونه آن را بخوانیم

با کنار هم گذاشتن همه این امور، قابل درک است که چرا خواندن کتاب مقدس بسیار دشوار است. در جهان پسا روشنگری ما، جهانی که مافوق طبیعی را انکار می کند و با کتاب مقدس همچون کتاب های دیگر برخورد می کند، از ما دعوت می شود که با نگاه انتقادی بر کتاب مقدس بایستیم و مطالبش را زیر سؤال ببریم. همچنین، در فرهنگ منحرف جنسی ما، کتاب مقدس، قدیمی و حتی منغور شمرده می شود، زیرا در برابر ادیان نوینی مانند تأیید LGBT+ (هم جنس گرایان مرد و زن، دوجنسیتی، تراجنسیتی و غیره) می ایستد. حتی زمانی که به طور مثبت با کتاب مقدس برخورد می شود، چهره هایی مانند جردن پیترسون آن را از دریچه روان شناسی تکاملی می خوانند. از این رو، به سادگی خواندن کتاب مقدس و ملاقات با عیسی دشوار است.

زمانی که آن یادآوری را بر صفحه نخست کتاب مقدس نوشتم، دانشجوی دانشگاهی بودم که نزد استادان دینی درس می خواندم؛ کسانی که الهام الهی کتاب مقدس را انکار می کردند. در عوض، آن ها کتاب مقدس را اسطوره زدایی می کردند و سعی می کردند مافوق طبیعی بودن آن را رد کنند. در پاسخ، من شروع کردم به یادگیری اینکه کتاب مقدس از کجا آمده است، چه چیزی در آن است، چگونه باید آن را خواند و چگونه کتاب مقدس باید برای همه عرصه های زندگی آگاهی بخش باشد. خوشبختانه، در دانشگاهی که هدفش زدودن ایمان بود، خدا اعتماد مرا به خودش رشد داد، زیرا می کوشیدم کلام خدا را بر اساس معیارهای خودش درک کنم.

با این حال، هنگامی که در رشته های دانشگاهی الهیات و تفسیر کتاب مقدس (موضوعی که غالباً به عنوان «علم تفسیر» توصیف می شود) ژرف تر شدم، لازم بود به خودم یادآوری کنم که هدف اصلی خواندن کتاب مقدس، مشارکت با خدای تثلیث است. خدا یک کتاب نوشت تا ما او را بشناسیم.

دعای من برای مطالب زیر این است که خدا فهمی واقعی تر به شما عطا کند تا بدانید کتاب مقدس چیست، از کجا آمده است، چه چیزی در آن است و چگونه باید آن را خواند. حقیقتاً، باشد که در حال لذت بردن از کلام حیات بخش خدا، او به همه ما شناختی عمیق تر درباره خودش عطا کند.

در پی شناخت خدای کتاب مقدس، این کتابچه راهنما به چهار پرسش پاسخ خواهد داد.

کتابچهٔ راهنما

۱. کتاب مقدس چیست؟
۲. کتاب مقدس از کجا آمده است؟
۳. چه چیزی در کتاب مقدس است؟
۴. چگونه کتاب مقدس را بخوانیم؟

در هر بخش، با توجه به بنای ایمان شما، به این پرسش پاسخ خواهیم داد، نه صرفاً ارائهٔ اطلاعات تاریخی یا الهیاتی. در پایان، این بخش‌ها را به یکدیگر می‌پیوندم تا نشان دهم که چرا خواندن روزانهٔ کتاب مقدس برای شناخت خدا و سلوک در راه‌های او بسیار حیاتی است. زیرا در حقیقت، کتاب مقدس به همین دلیل وجود دارد: برای اینکه پدر، پسر و روح القدس را در قالب واژه‌ها آشکار سازد. اگر آماده‌اید او را بیشتر بشناسید، پس آماده‌ایم که دربارهٔ کتاب مقدس سخن بگوییم.

۱

کتاب مقدس چیست؟

بر اساس آمار

کتاب مقدس [پرفروش‌ترین](#)

[کتاب تمام دوران](#) است و

سالانه بیش از ۸۰ میلیون

نسخه از آن چاپ می‌شود.

[انجمن کتاب مقدس آمریکا](#)

تخمین می‌زند که ۹۰۰

ترجمه از کتاب مقدس به

زبان انگلیسی وجود دارد.

[مترجمان کتاب مقدس](#)

[ویکی‌لیف](#) تخمین می‌زنند که

بخشهایی از کتاب مقدس

به ۳۶۵۸ زبان ترجمه

شده‌اند.

پاسخ‌های زیادی برای این پرسش وجود دارد، زیرا کتاب مقدس نقشی چندوجهی در شکل‌گیری جهان ایفا کرده است. افزون بر آنکه «کلام مکتوب خدا» است (WCF 1.2)، کتاب مقدس یک محصول فرهنگی، سنگری برای تمدن، شاهکاری ادبی، موضوعی برای پژوهش تاریخی و گاهی هدفی برای تمسخر نیز می‌باشد. با این حال، کتاب مقدس برای آنانی که کتاب مقدس را گنجینه‌ای گرانها می‌شمارند و کلیساهایی که بر مبنای مشورت کامل آن بنا می‌شوند، چیزی بیش از یک کتاب برای الهام بخشی یا عبادت مذهبی است.

کتاب مقدس، چنانکه عبرانیان ۱:۱ در آغاز می‌گویند، همان سخنان خداست که «در گذشته، خدا بارها و از راه‌های گوناگون به واسطه پیامبران با پدران ما سخن گفت.» به راستی، خدا در زمان‌های گذشته با قوم خود سخن گفت، اما نویسنده عبرانیان که صدها سال پس از آن می‌نوشت که خدا از میان آتش با اسرائیل سخن گفت (تثنیه ۱۲:۴، ۱۵، ۳۳، ۳۶)، می‌توانست بگوید: «در این ایام آخر به واسطه پسر خود با ما سخن گفته است.»

بدین سان، کتاب مقدس صرفاً کتابی مذهبی نیست که یک‌باره عرضه شده باشد. همچنین اثر ادبی بدون پیوند با تاریخ نیست. بلکه کتاب مقدس مکاشفه تدریجی خداست که اعمال نجات و داوری او در جهان را به کمال تفسیر کرده است. افزون بر این، سی‌ونه کتاب عهد عتیق نقش بی‌نظیری را در آماده ساختن راه برای کلمه ازلای

کتابچه راهنما

ایفا کردند تا او جسم بیوشد و در میان ما ساکن شود (یوحنا ۱: ۳-۱۴) و بیست و هفت کتابی که پس از صعود او نوشته شد، بر زندگی، مرگ، رستاخیز و تعالی مسیح شهادت دادند. حتی امروز نیز کلام خدا مقاصد نجات بخش او را به انجام می‌رساند، اگرچه مکاشفه کلام خدا در پایان مکاشفه یوحنا به فرجام رسید (مراجعة کنید به مکاشفه ۱۸: ۲۲-۱۹).^۱

در این کتابچه راهنما، به همه روش‌های کتاب مقدس برای شکل‌گیری دنیا و شکل‌گیری آن توسط دنیا نخواهیم پرداخت.^۲ در عوض، زمان ما صرف پاسخ‌دادن به این پرسش الهیاتی خواهد شد: کتاب مقدس چیست، آن‌گونه که کلیسا آن را دریافت کرده است؟ به این پرسش، سه پاسخ را عرضه خواهیم کرد؛ یکی برگرفته از اعتراف‌نامه‌های پروتستان، یکی برگرفته از کائن کتاب مقدس و یکی برگرفته از شهادت روح القدس است که کتاب مقدس را الهام کرد.

بر اساس اعتراف‌نامه‌ها

در سال ۱۵۱۷، راهبی آلمانی با یک چکش، اعلامیه ۹۵ ماده‌ای را با میخ بر در قلعه ویتنبرگ کوبید.^۳ مارتین لوتر، الهی‌دان تعلیم‌یافته و شبانی کوشا، نگران آن بود که کلیسای کاتولیک روم، او و دیگران را گمراه کرده تا باور کنند که پارسایی با عبور از مسیر پرپیچ و خم و بی‌پایان آیین‌های کلیسایی به دست می‌آید، نه فقط از راه ایمان به کار پایان‌یافته مسیح، تماماً به وسیله فیض خدا. در واقع، لوتر از راه مطالعه کتاب مقدس متقاعد شده بود که کلیسای کاتولیک روم، انجیل و پیام آن درباره عادل‌شمردگی فقط به وسیله ایمان را از دست داده است.^۴ بر این اساس، او با ۹۵ ماده خود، نهضت اصلاحات پروتستان را آغاز کرد.

در دهه‌های پس از آن، نهضت اصلاحات پروتستان، انجیل و سرچشمه آن، یعنی کتاب مقدس را احیا کرد. برخلاف کلیسای کاتولیک روم که منشأ الهی و اقتدار کتاب مقدس را تأیید می‌کرد، ولی سنت کلیسایی را نیز در یک سطح با کتاب مقدس قرار می‌داد، مردانی چون لوتر، جان کلوین و اولریش زوینگلی تعلیم دادند که کتاب مقدس تنها منبع مکاشفه الهام‌شده است. درحالی‌که کلیسای کاتولیک روم تعلیم می‌داد که خدا از طریق دو منبع سخن گفته است، کتاب مقدس و کلیسا، اصلاح‌گرایان به درستی کتاب مقدس را به عنوان تنها منبع مکاشفه خاص تأیید کردند. چنانکه این کلام مشهور لوتر می‌گوید:

کتاب مقدس و چگونه آن را بخوانیم

تا زمانی که با شهادت کتاب مقدس یا دلیل آشکار متقاعد نشوم، خود را مغلوب کتاب مقدس می‌دانم که به آن استناد کرده‌ام و وجدانم اسیر کلام خداست؛ زیرا نمی‌توانم فقط به پاپ و شوراها اعتقاد داشته باشم، چون آشکار است که آن‌ها بارها خطا کرده و با خودشان تناقض داشته‌اند.^۵

به‌راستی، حمایت لوتر از کتاب مقدس به‌عنوان کلام خدا، توسط همه اصلاح‌گرایان طنین‌انداز شد. امروز نیز وارثان نهضت اصلاحات همچنان کتاب مقدس را به‌عنوان کلام الهام‌شده و مقتدر خدا می‌دانند. بهترین جا برای مشاهده این اعتقاد، در اعتراف‌نامه‌هایی است که از نهضت اصلاحات پروتستان آمد. برای نمونه، اعتراف‌نامه بلژیک (اصلاح‌شده)، سی‌ونه ماده (انگلیکن) و اعتراف‌نامه ایمان وست‌مینستر (پرسبیتری) همگی اصل رسمی نهضت اصلاحات را تأیید می‌کنند: *تنها کتاب مقدس (Sola Scriptura)*. باین‌حال، برای آنکه تنها به یک سنت اعترافی اشاره کنم، اعتراف‌نامه خودم را عرضه می‌کنم: اعتراف‌نامه دوم باپتیست‌های لندن (۱۶۸۹).

در بند آغازین فصل نخست، خادمان باپتیست لندن ایمان خود را به کلام خدا اعتراف کردند.

۱. کتب مقدس، تنها معیار کافی، قطعی و مصون از خطا برای تمامی معرفت نجات‌بخش، ایمان و اطاعت هستند. نور طبیعت و اعمال آفرینش و مشیت الهی، چنان به‌وضوح نیکویی، حکمت و قدرت خدا را آشکار می‌سازند که انسان‌ها هیچ عذری ندارند؛ باین‌حال، این نشانه‌ها برای اعطای معرفت و اراده خدا که برای نجات ضروری است، کافی نیستند. از این‌رو، خشنودی خداوند در این بود که در زمان‌های گوناگون و به شیوه‌های مختلف، خویشتر را مکشوف سازد و اراده‌اش را بر کلیسایش اعلام کند. برای حفظ و گسترش بهتر حقیقت و بنا و تسلی‌بخشیدن به کلیسا با قطعیت بیشتر در برابر فساد جسم و بدخواهی شیطان و جهان، خداوند این مکاشفه را تماماً به نگارش درآورد. بنابراین، کتب مقدس کاملاً ضروری هستند، زیرا شیوه‌های پیشین خدا برای آشکار ساختن اراده‌اش به قوم خویش، اکنون متوقف شده است.

در این بیانیه، آنان کفایت، ضرورت، وضوح و اقتدار کتاب مقدس را تأیید کردند. این چهار صفت کتاب مقدس، طرز فکر همه پروتستان‌ها را درباره کتاب مقدس بیان می‌کند، زیرا این در حقیقت روشی است که کتاب مقدس درباره خودش سخن می‌گوید. بدین‌سان، کتاب مقدس چیزی بیش از کتاب کلیسا، یا مجموعه‌ای از

کتابچه راهنما

کتاب‌های مذهبی، یا حتی کتابخانه‌ای از اثر ادبی الهام‌بخش درباره خداست. کتاب مقدس «کلام مکتوب خدا» است (WCF 1.2) و آنانی که در تاریخ کلیسا کلام خدا را جدی گرفته‌اند، آن را کلام خدا در واژگان انسانی دانسته‌اند. به خاطر ایمان به شهادت خود کتاب مقدس چنین کرده‌اند.

بر اساس کائنات

هرچند اعتراف‌نامه‌هایی همچون اعتراف‌نامه دوم لندن سودمندند، اما پروتستان‌ها صرفاً باور ندارند که سنت(های) کلیسا یا شهادت انسان‌ها برای توسعه هر باوری درباره کتاب مقدس، کافی است. بلکه ما باور داریم که خود کتاب مقدس درباره خودش شهادت می‌دهد. برای نمونه، دوم تیموتائوس ۱۶:۳ می‌گوید که تمامی کتاب مقدس «الهام‌خداست»، (*theopneustos*). همچنین، دوم پطرس ۱:۱۹-۲۱، روح القدس را منشأ تمام نوشته‌های انبیا معرفی می‌کند. در زمینه متن، پطرس حتی اشاره می‌کند که قطعیت سخنان انبیا بیشتر از تجربه شخصی او در کوه تبدیل هیئت، هنگامی که صدای رسای خدا را شنید، می‌باشد (دوم پطرس ۱:۱۳-۱۸). پولس نیز در رومیان ۴:۱۵ می‌گوید: «زیرا آنچه در گذشته نوشته شده است، برای تعلیم ما بوده تا با پایداری و آن دلگرمی که کتب مقدس می‌بخشد، امید داشته باشیم.» به‌اختصار، کتاب مقدس درباره خودش شهادت می‌دهد که کلام الهام‌شده خداست.

به همین‌سان، عهدجدید درباره عیسی مسیح شهادت می‌دهد و نشان می‌دهد که همه وعده‌های خدا در او پاسخ خود را می‌یابند (دوم قرنتیان ۱:۲۰). یعنی کتاب مقدس به خودی خود هدف نیست. بلکه «شهادتی درباره مسیح است که قانون مکاشفه الهی می‌باشد» (BFM 2000). ماهیت مسیح‌محور کتاب مقدس توضیح می‌دهد که چرا نمی‌توان در عهدجدید حتی یک بند را یافت که اشاره‌ای به عهدعتیق نداشته باشد. شریعت، انبیا و مکتوبات؛ سه بخش کتاب مقدس عبری؛ همگی به مسیح اشاره می‌کنند. مسیح خودش را به‌عنوان موضوع عهدعتیق معرفی می‌کند (یوحنا ۵:۳۹) و آن کسی که همه کتب به او اشاره دارند (لوقا ۲۴:۲۷، ۴۴-۴۹).

همچنین، عیسی پیشگویی کرد که پس از عزیمتش، روح القدس می‌آید تا درباره او شهادت دهد (مراجعه کنید به یوحنا ۱۵:۲۶؛ ۱۶:۱۳). عیسی در مجموعه‌ای از تعلیمات در شب پیش از مرگش، به شاگردانش گفت که عزیمت خواهد کرد، اما روح القدس را خواهد فرستاد (یوحنا ۷:۱۶). این روح راستی هرآنچه را که او گفته بود، به یاد آنان خواهد آورد و شاهدان او را توانمند می‌سازد تا حقیقت را درباره او

کتاب مقدس و چگونه آن را بخوانیم

شهادت دهند. بدین سان، ما باور داریم که کتاب مقدس کلام خداست، زیرا کتاب مقدس چنین می گوید.

بر اساس شهادت روح

اما نه به این سرعت! اگر کتاب مقدس، منبع اقتدار و اصالت خودش می باشد، از کجا بدانیم که نوعی تبلیغات پیشامدرن نیست؟ آیا این شیوه استدلال به مغالطه استدلال دوری نمی انجامد؟ آیا به همین دلیل نیست که افراد و کلیساها به جست و جوی مرجعی خارج از کتاب مقدس می پردازند؟ اینها پرسش های مهمی هستند، اما بهترین پاسخ ما را به سرچشمه مکاشفه خدا بازمی گرداند، یعنی روح خدا که در کلام او سخن گفته است.

به اختصار، استدلال برای کتاب مقدس، *از خود کتاب مقدس*، نمونه ای از استدلال دوری است. اما این شیوه استدلال بدین معنا نیست که این یک مغالطه است. زیرا در واقع، همه ادعاهای مربوط به اقتدار، به طور کلی دوری هستند. اگر کتاب مقدس مدعی اقتدار باشد و در عین حال اقتدار خود را از چیزی خارج از کتاب مقدس اثبات کند، در این صورت، آن شخص، نهاد، یا موجودیتی که کتاب مقدس به آن وابسته است، به اقتداری برتر از کتاب مقدس بدل می شود. در این صورت، کتاب مقدس در نهایت مقتدر نخواهد بود؛ بلکه اقتدار آن به اندازه ای خواهد بود که اقتدار برتر به آن اجازه می دهد. این همان خطای کلیسای کاتولیک روم بود که به کلیسا اقتدار داد تا تصمیم بگیرد چه کتاب هایی در کتاب مقدس باشند و نیز اقتدار داد تا بر مبنای سنت های دیرینه خود، کتاب مقدس را تفسیر کند.

در مقابل، جان کلونین و اصلاح گرایان درباره «گواه شخصی» کتاب مقدس سخن گفتند.^۶ کتاب مقدس کلام خداست، زیرا خودش آن را اعلام می کند و مشروعیت آن در شهادتش توسط هر آنچه درباره چیزهای دیگر می گوید، اثبات می گردد. همچنین، به خاطر اینکه روح القدس که کتاب مقدس را الهام کرد، همچنان امروز هم حقیقت آن را بر جان های شنوندگان نقش می زند، می توانیم بدانیم که کتاب مقدس کلام خداست. به بیان دیگر، چون خاستگاه کتاب مقدس (واقعیتی عینی) و اطمینان شخص به اصالت کتاب مقدس (باوری ذهنی)، هر دو از یک منبع واحد می آیند (روح القدس)، می توانیم اطمینان واقعی داشته باشیم که کتاب مقدس کلام خداست. چنانکه اصلاح گر، هاینریش بولینگر، بیان کرد،

کتابچه راهنما

پس اگر کلام خدا در گوش‌های ما طنین می‌اندازد و در آنجا روح خدا قدرتش را در دل‌های ما آشکار می‌سازد و ما به‌راستی با ایمان کلام خدا را می‌پذیریم، پس کلام خدا در ما نیرویی عظیم و اثری شگفت‌انگیز دارد. زیرا تاریکی مه‌آلود خطاها را می‌راند، چشمان ما را می‌گشاید، ذهن‌های ما را تبدیل و روش می‌سازد و ما را به‌طور کامل و قطعی در حقیقت و دینداری تعلیم می‌دهد.^۷

آنانی که مایلند به نویسندگان کتاب مقدس گوش فرا دهند، شهادت یکپارچه حدوداً چهل مردی را خواهند یافت که به سه زبان متفاوت (عبری، یونانی و اندکی آرامی)، در طی چهارصد سال نگاشته‌اند. احتمال اینکه چنین ترکیبی تنها به‌وسیله نویسندگان انسانی به‌طور قانع‌کننده پدید آمده باشد، ناممکن است. بااین‌حال، شواهد آشکار وحدت ادبی، نیرومند است؛ اما ما همچنان به خدای زنده وابسته‌ایم تا خودش را بر ما مکتشف سازد. ازاین‌رو، در نهایت شهادت روح باعث می‌شود که به کتاب مقدس ایمان آوریم (یوحنا ۱۶: ۱۳).

در نتیجه، خدا سخن گفته است و سخنان او در شصت‌وشش کتاب کتاب مقدس یافت می‌شود. یا حداقل، اینها کتاب‌هایی هستند که پروتستان‌ها در کتاب مقدس خود به رسمیت می‌شناسند.

بحث و تأمل:

۱. شما چگونه به پرسش «کتاب مقدس چیست» پاسخ می‌دهید؟ چگونه مطالب بالا را با واژگان خود بیان می‌کنید؟
۲. آیا چیزی که اکنون خوانده‌اید، برای شما تازه یا شگفت‌آور بود؟ چه چیزی شما را به چالش کشید؟
۳. حقیقت اینکه کتاب مقدس خود کلام خداست، چگونه بر شیوه خواندن شما اثر می‌گذارد؟

۲

کتاب مقدس از کجا آمده است؟

کتاب اپوکریفا

- (۱-۲) اول و دوم اسدراس،
 - (۳) طوبیت،
 - (۴) جودیت،
 - (۵) استر ۱۰:۴-۱۶:۲۴،
 - (۶) حکمت،
 - (۷) حکمت یشوع بن سیراخ
 - (۸) باروخ و رساله ارمیا،
 - (۹) سرود سه کودک**
 - (۱۰) داستان سوسنه**
 - (۱۱) بل و اژدها**
 - (۱۲) دعای منسی،
 - (۱۳-۱۴) اول و دوم مکابیان
- ** افزوده‌ها به دانیال

هنگامی که درباره کتاب مقدس سخن می‌گوییم، درباره کتاب‌های کائنی کتاب مقدس سخن می‌گوییم. طبق تعریف آر. إن. سولن درباره این اصطلاح، کائن عبارت است از «مجموعه‌ای از کتاب‌ها که به‌عنوان معیار مقتدر ایمان و عمل پذیرفته شده‌اند.»^۸ در عبری، واژه کائن برگرفته از واژه قانه (*qaneh*) است که می‌تواند به معنای «نی» یا «ساقه» باشد. در یونانی، واژه کانس (*kanon*) غالباً مفهوم قاعده یا اصل را دارد (مراجعه کنید به غلاطیان ۱:۶). با پیوند دادن هر دو زبان، پیتر وگنر اشاره می‌کند: «برخی نی‌ها به‌عنوان چوب‌های اندازه‌گیری نیز به‌کار می‌رفتند و بدین‌سان، یکی از معانی مشتق‌شده واژه [*qaneh, kanon*] به 'قاعده' تبدیل شد.»^۹

بدین ترتیب، پیش‌زمینه این واژه روشن می‌شود.

اما کائنی بودن چه؟ یک کتاب چگونه، به اصطلاح، «پذیرفته» می‌شود؟ این پرسش برای فهم کتاب مقدس، کلیسا و اینکه چه کسی به چه کسی اقتدار می‌بخشد، بسیار حیاتی است.

در پاسخ به این مجموعه پرسش‌ها، وسوسه‌انگیز است که تصور کنیم کلیسا به کتاب مقدس اقتدار می‌بخشد و تصمیم می‌گیرد چه کتاب‌هایی باید در کائن باشند. این همان کاری است که نشست چهارم شورای ترنت با به رسمیت شناختن کتاب‌های اپوکریفا (کتب مشکوک) انجام داد، و همان چیزی است که دن براون در رمان پرفروش خود، *راز داونچی* (انتشارات ایران کتاب)، با تصور اینکه امپراتور کنستانتین چهار انجیل را برگزید و بقیه را پنهان کرد، انجام داد. حتی واژه اپوکریفا (چیزهای پنهان) به چنین طرز فکری اشاره دارد، اما در واقع این نگرش گمراه‌کننده است.

چنانکه پیش‌تر اشاره کردیم، منشأ کتاب مقدس خود خداست و روح القدس، نویسندگان را برانگیخت تا این مطالب را بنویسند، به گونه‌ای که از زمان پنتیکاست به بعد (اعمال ۲)، روح القدس ذهن خوانندگان کتاب مقدس را روشن می‌سازد. برای تأکید مجدد باید بگوییم که کلیسا به کتاب‌های تشکیل‌دهنده کائن، اقتدار نبخشید، بلکه کلیساهای (به رهبری روح القدس) کتاب‌های کتاب مقدس را به عنوان الهام از خدا و مقتدر بر آن‌ها به رسمیت شناختند. به بیان دیگر، کلیسا کتاب مقدس را پدید نیاورد؛ کتاب مقدس، به عنوان کلام خدا، کلیسا را پدید آورد. این تمایزی ساده است، اما پیامدهایی عظیم دارد.

تفکر ما درباره کائن کتاب مقدس، تا حد زیادی نحوه خواندن کتاب مقدس‌مان را تعیین خواهد کرد. آیا کتاب‌های کتاب مقدس کار خدا هستند که توسط انسان‌ها شناخته شده‌اند؟ یا کائن (کتاب مقدس) کار انسان‌هاست که به خدا سپرده شده‌اند؟ کاتولیک‌های روم یک پاسخ به آن می‌دهند و پروتستان‌ها پاسخی دیگر. آن‌ها این پرسش را به شکل متفاوتی پاسخ می‌دهند، زیرا اقتدار کلیسا را به شکل متفاوتی درک می‌کنند.

به اختصار، با مراجعه به سده‌های نخست کلیسا، اجتماعات فردی باید تصمیم می‌گرفتند که کدامیک از نامه‌ها، انجیل و مکاشفات از سوی خدا الهام شده‌اند و کدامیک از سوی خدا الهام نشده‌اند. بر اساس این تصمیم‌ها، کائن شناخته شده پدید آمد. در واقع، چنین تصمیم‌هایی حتی در خود کتاب مقدس نیز دیده می‌شوند. زیرا پولس می‌توانست بگوید: «اگر کسی خود را نبی یا فردی روحانی می‌داند، تصدیق کند که آنچه به شما می‌نویسم فرمانی است از جانب خداوند» (اول قرنتیان ۱۴: ۳۷). از سوی دیگر، کسی که سخنان او را به رسمیت نمی‌شناخت، نباید خود را روحانی می‌دانست (یعنی برخوردار از روح القدس).

کتاب مقدس و چگونه آن را بخوانیم

همچنین، پولس کلیسای تسالونیکی را به چالش می‌کشد که سخنان او را به عنوان سخنانی از جانب خداوند بپذیرند (دوم تسالونیکیان ۲: ۳، ۱۴). پطرس نیز به نوبه خود، سخنان پولس را از جانب خدا می‌داند (دوم پطرس ۱۵: ۳-۱۶)، همان گونه که پیش تر اعلام می‌کند فرمان خداوند عیسی «به واسطه رسولان» می‌آید (دوم پطرس ۲: ۳). یوحنا نیز همین مسیر را دنبال کرده و اعلام می‌کند: «ما از خدا هستیم و کسی که خدا را می‌شناسد، به ما گوش می‌سپارد؛ ولی آن که از خدا نیست، به ما گوش نمی‌سپارد. روح حق و روح گمراهی را این گونه از هم بازمی‌شناسیم» (اول یوحنا ۴: ۶). یوحنا با معلمان دروغین مقابله می‌کند و می‌گوید آنانی که از روح القدس هستند، می‌دانند که چگونه به صدای روح گوش دهند (مقایسه کنید با یوحنا ۱۰: ۲۷).

در مجموع، عهد جدید به ما تعلیم می‌دهد که کلام خدا چیزی نبود که کلیسا به طور *فعلاً* درباره آن تصمیم بگیرد. بلکه کلام خدا چیزی بود که کلیسا به طور *منفعلاً* آن را به رسمیت شناخت. به همین سبب، سخنان رسولان و انبیا با اعمال روح القدس تأیید شد (عبرانیان ۴: ۲). در واقع، پولس می‌تواند در دوم قرنتیان ۱۲: ۱۲ بگوید که آیات و عجایبی که در میان مردم انجام شد، از سوی خدا عطا شد تا مردم بدانند او از جانب خداوند فرستاده شده و حقیقت را می‌گوید.

در حقیقت، تشخیص حقانیت رسولان و تعلیم آنان همان کاری بود که کلیسای اولیه باید انجام می‌داد. در طی سه قرن، از قیام مسیح تا نامه عید قیام آتاناسیوس در سال ۳۶۷ میلادی، هر کلیسای محلی و کلیساهایی که با یکدیگر در ارتباط بودند، باید شمار فراوانی از نسخه‌های خطی را می‌پذیرفتند یا رد می‌کردند. اما به طرز مهمی، در آن دوره، هنگامی که کائن عهد جدید در حال شکل‌گیری بود، ترکیب آن فرایندی از پذیرش بود، نه آفرینش. افزون بر این، چون کائن عهد عتیق در روزگار مسیح مورد مناقشه نبود، همین امر، بنیانی استوار را برای بنای کائن عهد جدید فراهم کرد.

در ادامه این بخش، سه دلیل را برای هر یک از دو عهد ارائه خواهیم کرد تا نشان دهیم که چرا می‌توانیم به کتاب مقدسی که امروز در دست داریم، اعتماد داشته باشیم.

عهد عتیق

عهد جدید به گونه‌ای هماهنگ شهادت می‌دهد که کتاب‌های موسی (تورات)، سخنان انبیا (نوییم) و مزامیر یا مکتوبات (کتوویم) کتاب‌های کائن عهد عتیق بودند.^{۱۰}

از این رو، «درباره هسته عهدعتیقی که عهدجدید از آن استفاده می‌کند، اختلاف نظر [علمی] اندکی وجود دارد یا هیچ اختلاف نظری وجود ندارد.»^{۱۱} باین حال، اجازه بدهید سه دلیل ارائه کنم که چرا باید اطمینان داشته باشیم این چهارده کتاب افزوده اپوکریفا، از کائن حذف شده‌اند.

۱. نخست، زمانی که کتاب‌های اپوکریفا نوشته شدند، روح خدا دیگر سخن نمی‌گفت.

چنانکه منابع گوناگون ذکر کرده‌اند، پس از ملاکی روح خدا دیگر سخنی نگفت. برای نمونه، تلمود بابلی اعلام می‌کند: «پس از آنکه انبیای متأخر، حجی، زکریا و ملاکی درگذشتند، روح القدس اسرائیل را ترک کرد، اما آن‌ها همچنان از صدای آسمان بهره می‌بردند» (یوما ۹ب). همچنین، یوسفوس مورخ در کتاب *برضد آپیون* می‌نویسد: «از زمان اردشیر تا روزگار ما، تاریخ کاملی نوشته شده است، اما به سبب فقدان تداوم دقیق انبیا، شایسته اعتباری برابر با گزارشات پیشین شمرده نشده است» (۱/۴۱). به همین سان، اول مکابیان، یکی از کتاب‌های اپوکریفا، دوره زمانی خود را فاقد انبیا می‌داند (۴۵:۴-۴۶). بنابراین روشن است که مطالبی که بین ملاکی و متی نوشته شده، شامل کتاب مقدس الهام شده نبوده‌اند.

۲. دوم، کلیسای اولیه تمایزی روشن بین کتاب‌های کائنی و غیر کائنی قائل شد.

از سال ۳۸۲ تا ۴۰۴ میلادی، جروم کتاب مقدس را به لاتین ترجمه کرد. ترجمه او در گذر زمان به عنوان «وولگات لاتین» شناخته شد، اصطلاحی که به زبان رایج مردم اشاره دارد.^{۱۲} او در کار ترجمه‌اش با «افزوده‌های سپتواجنتی» روبه‌رو شد، یعنی کتاب‌های افزوده‌ای که در ترجمه یونانی عهدعتیق گنجانده شده بودند.^{۱۳} او با احساس نیاز به ترجمه از زبان عبری اصلی، نه اتکای صرف به ترجمه یونانی، به سرعت دریافت که همه کتاب‌های موجود در سپتواجنت از ارزشی یکسان برخوردار نیستند. از این رو، کتاب‌های کائنی را به همان سبب کتاب موجود در کتاب مقدس‌های پروتستان امروزی محدود کرد.^{۱۴} در مقابل، کتاب‌های اپوکریفا را برای تعلیم تاریخی سودمند دانست، اما نه برای تعیین آموزه.^{۱۵} تنها کتاب‌های کائنی چنین اقتداری داشتند.

کتاب مقدس و چگونه آن را بخوانیم

در سده‌های پس از آن تا زمان نهضت اصلاحات، تمایز جروم بین کتاب‌های کائنی و غیر کائنی، تا حد زیادی از میان رفت. درحالی‌که ترجمه لاتین او به کتاب مردم تبدیل می‌شد، کتاب‌های اپوکریفا اغلب در آن گنجانده می‌شدند.^{۱۶} در نتیجه، رسانه، پیام را شکل داد و اپوکریفا به بخشی از کانون پذیرفته‌شده تبدیل شد. این الحاق، از آموزه‌های نادرستی در کلیسای کاتولیک روم پشتیبانی کرد؛ آموزه‌هایی مانند دعا برای مردگان (دوم مکابیان ۴۴:۱۲-۴۵) و نجات به وسیله صدقه‌دادن (طوبیت ۱۱:۴؛ ۹:۱۲). از این رو می‌توان دید که چرا کلیسای اولیه تمایز روشنی بین کتاب‌های کائنی و غیرکائنی قائل شد.

۳. سوم، نهضت اصلاحات کتاب مقدس عبری را احیا کرد.

هنگامی که اصلاح‌گرایانی همچون مارتین لوتر به ترویج اصل *Sola Scriptura*، («تنها کتاب مقدس») پرداختند، پرسش کانون دوباره مطرح شد. در میان پروتستان‌ها، اپوکریفا به جایگاه مناسب خود بازگردانیده شد؛ مجموعه‌ای از کتاب‌های سودمند برای زمان خودشان، اما نه برای آموزه مقتدر. این امر در شیوه لوتر، تیندل، کاوردیل و سایر مترجمان پروتستان کتاب مقدس که از تمایز جروم پیروی کردند و کتاب‌های اپوکریفایی را به ضمیمه‌های ترجمه‌های خود منتقل ساختند، دیده می‌شود.^{۱۷}

در مقابل، شورای ترنت (۱۵۴۵-۱۵۶۳) این کتاب‌ها را به‌عنوان آموزه مقتدر شناخت و هرکسی را که جایگاه آن‌ها را زیر سؤال ببرد، محکوم کرد. افزون بر این، شورای اول واتیکان (۱۸۶۹-۱۸۷۰) این موضع را تقویت نمود و استدلال کرد که این کتاب‌ها «توسط روح‌القدس الهام شده و سپس به کلیسا سپرده شده‌اند.»^{۱۸} این شکاف همچنان بین پروتستان‌ها و کاتولیک‌های روم پابرجاست. با این حال، به دلایل مذکور در بالا، بهترین کار پیروی از تمایز جروم است که گفت کتاب‌های اپوکریفا برای تثبیت آموزه، ضروری و مناسب نیستند؛ بلکه صرفاً برای فراهم کردن پیشینه تاریخی داستان کار خدا در بین قوم اسرائیل سودمندند.^{۱۹}

عهد جدید

اگر عهد جدید کتاب‌های عهد عتیق را تأیید می‌کند، چه چیزی کتاب‌های عهد جدید را تأیید می‌کند؟ در نگاه نخست، این پرسش، دشوارتر به نظر می‌رسد. اما همان‌گونه که عیسی و کلیسای اولیه می‌توانستند تشخیص دهند که کتب مقدس از روح‌القدس سرچشمه گرفته‌اند (دوم پطرس ۱:۱۹-۲۱؛ مقایسه کنید با دوم تیموتائوس ۳:۱۶)،

کتابچه راهنما

در مقایسه با کتاب‌هایی که از روح القدس نبودند؛ پس کلیسای اولیه نیز می‌توانست اناجیل و رساله‌هایی را که از رسولان آمده بودند، در مقایسه با چیزهایی که از رسولان نیامده بودند، تشخیص دهد.

۱. نخست، خاستگاه کانن را می‌توان در خود عهد جدید دید.

برای نمونه، در اول تیموتائوس ۵: ۱۸، پولس از موسی و لوقا نقل قول می‌کند و هر دو را «کتاب مقدس» می‌نامد: «زیرا کتاب می‌گوید: «گاوی را که خرمن می‌کوبد، دهان مَبْنَد» [تثییه ۲۵: ۴] و «کارگر مستحق دستمزد خویش است [لوقا ۱۰: ۷].» همچنین، پطرس نامه‌های پولس را با کتاب مقدس مرتبط می‌سازد (دوم پطرس ۳: ۱۵-۱۶). این اشاره دقیقاً پس از این کلام پطرس است: «تا کلامی را که پیامبران مقدس در ایام گذشته گفته‌اند، به یاد آرید و نیز حکم خداوند و نجات‌دهنده ما را که به واسطه رسولان شما بیان شد» (دوم پطرس ۳: ۲). به بیان دیگر، پطرس، رسولان را حامل سخنان خود مسیح می‌داند و رسولان را با انبیای مقدس مرتبط می‌سازد. پس در مجموع، خود عهد جدید بر نوشته‌های رسولان به عنوان کلام خدا شهادت می‌دهد.

۲. دوم، همانند اپوکریفا، سایر کتاب‌هایی که در سده‌های پس از مسیح نوشته شدند، مطابق این معیارها نیستند.

چنانکه کاستنبرگر، باک و چاترا اشاره می‌کنند، نامه بطلمیوس، نامه برنابا و اناجیل توما، فیلیپس، مریم و نیکودیموس، همگی نشان می‌دهند که «بسیار متفاوت» از کتاب مقدس الهام شده هستند.^{۲۰} برای نمونه، آن‌ها درباره مشهورترین انجیل غیرکتاب مقدسی، یعنی انجیل توما، می‌نویسند:

این کتاب، انجیلی مطابق الگوی چهار انجیل کتاب مقدس نیست. هیچ موضوع داستان، روایت، گزارشی از تولد، مرگ یا رستاخیز عیسی ندارد. شامل ۱۱۴ گفتاری است که ظاهراً به عیسی نسبت داده شده‌اند و هرچند برخی از آن‌ها شبیه سخنانی است که شاید در متی، مرقس، لوقا یا یوحنا بشنوید، اما بسیاری از آن‌ها عجیب و نامأنوس هستند. اجماع گسترده، نگرارش آن را به اوایل تا اواخر سده دوم نسبت می‌دهد، اما هرگز در بحث‌های کانن جایگاهی نداشته است. در واقع، سیریل اورشلیم به طور خاص در مورد خواندن آن در کلیساها هشدار داد؛ و اورینگن آن را به عنوان انجیل اپوکریفایی توصیف کرد. این جمله

کتاب مقدس و چگونه آن را بخوانیم

[از مایکل کروگر] خلاصه این مطلب است: «اگر توما مسیحیت اصیل و نخستین را نشان می‌دهد، پس شواهد تاریخی بسیار اندکی برای آن به جا گذاشته است.»^{۲۱}

۳. سوم، کلیسای اولیه به سرعت به اجماع کانی رسید.

در واقع، کلیسای اولیه با عوامل گوناگون، طی نسل‌های بسیار به اجماع مشترک درباره کانی دست یافت. اگرچه کتاب‌های مسیحی همچون نامه برنابا و شبان هرماس ارزشمند بودند و گاهی در برخی کلیساها خوانده می‌شدند، اما با کتاب مقدس اشتباه گرفته نمی‌شدند. همانند اپوکریفا، جروم یادآور شد که این نوشته‌های «کلیسایی» برای «تهذیب مردم سودمندند، اما برای تثبیت اقتدار اصول عقاید کلیسایی سودمند نیستند.»^{۲۲}

در سراسر چند سده نخست پس از مسیح، فهرست کتاب‌های شناخته شده رو به افزایش بود. در واقع، چنانکه در اینجا آمده است، کلیسا تنها در موعظه‌ها، نامه‌ها و کتاب‌های خود از رسولان نقل قول می‌کرد، بلکه گاهی فهرست کتاب‌ها را نیز ارائه می‌داد (برای نمونه، کانی موراتوری).^{۲۳} و

بدین ترتیب، «کتاب‌های عهدجدید به عنوان خامه‌ای که بر روی سطح آمده بود، شناخته شدند (انتخاب نشدند) و کلیساها از آن‌ها استفاده کردند، زیرا دارای ارزش بی‌نظیر و خاصی در نظر گرفته می‌شدند.»^{۲۴} بار دیگر از جروم نقل قول می‌کنیم:

معیار پذیرش کانی عهدجدید

اقتدار رسولی. هر کتاب از عهدجدید از طرف یک رسول آمده، یا دارای اقتدار رسولی بوده است. قاعده ایمان. این کتاب‌ها با مکاشفه عهدعتیق و تعلیم عیسی آزموده شدند.

پذیرش عمومی. هرچند پذیرش با کلیساهای محلی آغاز شد، کانی زمانی شکل گرفت که کلیساهای محلی «یادداشت‌ها را با یکدیگر مقایسه کردند».

گواهی درونی. در نهایت، روح خدا بر کلام شهادت داد.

متی، مرقس، لوقا و یوحنا، گروه چهارتایی خداوند هستند، کرویانی حقیقی (که به معنای «فراوانی معرفت» است)، آکنده از چشمانی در سراسر بدن خود بودند؛ همچون اخگرهای آتش می‌درخشند، همچون رعد و برق در

این سو و آن سو می‌درخشند، پاهایشان صاف و رو به بالاست، پشت‌شان بالدار است تا به هر سو پرواز کنند. آن‌ها به یکدیگر قفل شده‌اند و به یکدیگر چسبیده‌اند، همچون چرخ‌هایی در میان چرخ‌های دیگر می‌غلطند؛ به هر جایی

کتابچه راهنما

که نفس روح القدس هدایت‌شان می‌کند، می‌روند.

پولس رسول به هفت کلیسا نامه می‌نویسد (زیرا اکثر افراد نامه هشتم از این نامه‌ها، یعنی نامه به عبرانیان را به شمار نمی‌آورند)؛ به تیموتائوس و تیتوس تعلیم می‌دهد؛ و برای غلام فراری فیلیمون، نزد او شفاعت می‌کند. درباره پولس ترجیح می‌دهم سکوت کنم تا اینکه مطالب کمی بنویسم.

به نظر می‌رسد که اعمال رسولان صرفاً تاریخ را بازگو می‌کند و کودکی کلیسای نوپا را توصیف می‌کند؛ اما اگر بدانیم نویسنده آن لوقای طبیب است، «که ستایش او در انجیل آمده است»، خواهیم دید که همه کلماتش همچون دارویی برای جان بیمار است. رسولانی همچون یعقوب، پطرس، یوحنا و یهودا، هفت رساله نوشتند که مرموز و مختصر است، هم کوتاه و هم بلند؛ یعنی واژگان کوتاه، اما اندیشه‌های بلند؛ چنانکه کمتر کسی را می‌بینیم که با خواندن آن‌ها تحت تأثیر قرار نگیرد.

رازهای مکاشفه یوحنا، به اندازه کلماتش می‌باشد. من در مقایسه با آنچه شایسته این کتاب است، بسیار اندک گفته‌ام؛ هر ستایشی برای آن ناکافی است، زیرا در هر یک از واژگانش، معانی بسیار نهفته است.^{۲۵}

در این فهرست، جروم بیست‌وهفت کتاب عهدجدید را به ما نشان می‌دهد؛ درعین‌حال به جلال‌های ویژه آن‌ها نیز اشاره می‌کند. بدین‌سان، ما را به تأمل درباره اهمیت کائن فرامی‌خواند.

چرا کائن اهمیت دارد

ما برای پاسخ‌دادن به پرسش «کتاب مقدس از کجا آمده است؟» تلاش کرده‌ایم، به دلیلی بسیار بنیادین: یعنی نحوه درک شخص از شکل‌گیری، منشأ و محتوای کتاب مقدس، نحوه خواندن، یا خواندن او را تعیین می‌کند؛ خوانندگان کتاب مقدس که در شناخت خدا جدی هستند، نمی‌توانند با اطمینان کلام کتاب مقدس را باور کنند یا به انجام فرامین آن ملزم شوند، مگر اینکه بدانند کتاب مقدس، کلام الهام‌شده و مقتدر خداست، نه ساخته‌وپرداخته انسان‌های مذهبی. از این لحاظ، کائن کتاب مقدسی اهمیت زیادی دارد. اکنون در پایان این بخش، بیایید اهمیت کائن را با سه مفهوم گسترش دهیم.

۱. نخست، شکل‌گیری کائن، از وحدت کلام خدا پشتیبانی می‌کند.

به طرزی شگفت‌انگیز، کتاب مقدس توسط حدوداً چهل نویسندهٔ انسانی و در طی تقریباً ۱۴۰۰ سال نوشته شد. اما در پس همهٔ آن‌ها، یک نویسندهٔ الهی قرار دارد که هر واژه را دمید (دوم تیموتائوس ۳: ۱۶؛ دوم پطرس ۱: ۱۹-۲۱). در واقع، وحدت کتاب مقدس، در یک منبع واحد اطلاعات یا متنی فاقد تنش ادبی یافت نمی‌شود. بلکه وحدت کتاب مقدس از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که کتاب مقدس «خدا را به عنوان نویسندهٔ خود، نجات را به عنوان هدف خود و حقیقت را، بدون هیچ آمیزه‌ای از خطا، به عنوان محتوای خود دارد» (BFM 2000). بدین معنا که خدا در طول زمان، مجموعه‌ای از کتاب‌های به هم پیوسته را الهام بخشید که مکاشفه‌ای واحد و در عین حال، متنوع را ساختند.

از این رو، شکل‌گیری کائن، به پشتیبانی از وحدت کلام خدا می‌پردازد، چنانکه خوانندگان کتاب متوجه می‌شوند که در حال خواندن نمایش نجات هستند. هنگامی که خدا خودش را به موسی و سپس به انبیا در مسیر رسیدن به مسیح و خدمت رسولان آشکار ساخت، تنش‌ها، رویدادها و تعالیمی وجود دارد که ممکن است متناقض به نظر برسند. در یک جایی خدا می‌گوید هیچ چیز ناپاک مخورید (لاویان ۱۱)؛ در جایی دیگر دقیقاً برعکس آن را می‌گوید (اعمال ۱۰). گوشت خوک دوباره به فهرست غذاها بازگشت! اگر این ناهماهنگی یا متناقض به نظر می‌رسد، تنها بدان سبب است که شخص هنوز متوجه نشده که این بخش از موضوع داستان چگونه آشکار می‌شود.

در حقیقت، کتاب مقدس با یک داستان، یکپارچه می‌شود، نه با مجموعه‌ای از انتزاعات ماندگار. بنابراین، درک شکل‌گیری کائن در طول اعصار نجات، اطمینان از وحدت کتاب مقدس را تقویت می‌کند. هم‌زمان، به ما تعلیم می‌دهد که تنش‌های مشروع کتاب مقدس را از طریق خواندن آن در کنار روایت مکشوف‌شدهٔ کتاب مقدس برطرف کنیم؛ نکته‌ای که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۲. دوم، منشأ کائن، از اقتدار کلام خدا پشتیبانی می‌کند.

اگر کائن به مرور زمان شکل گرفته، چنانکه خدا در زمان‌های بسیار و به طرق گوناگون

توسط انبیا با پدران سخن گفت (عبرانیان ۱:۱)، و اگر کانن به خاطر مکاشفه کامل و نهایی خدا در عیسی مسیح، بسته شد (عبرانیان ۲:۱)؛ مقایسه کنید با مکاشفه ۱۸:۲۲-۱۹)، پس باید اذعان کنیم که این کتاب مانند کتابهای دیگر نیست. در واقع، بحث درباره کانن اهمیت دارد، زیرا هرآنچه که کتاب مقدس می‌گوید، همان چیزی است که خدا می‌گوید. این همان نکته‌ای بود که بی. بی. وارفیلد در مقاله مشهور خود با عنوان «می‌گوید:» کتاب مقدس می‌گوید:» خدا می‌گوید» (B. B. Warfield, "It Says: 'Scripture Says: 'God Says' در سراسر عهدجدید دیده می‌شود، جایی که عیسی و رسولانش به کتاب مقدس به عنوان کلام مقتدر خدا استناد می‌کنند.

از این رو مهم است که بدانیم چه چیزی در کتاب مقدس است و چه چیزی در کتاب مقدس نیست. زیرا چنانکه خواهیم دید، هنگامی که از اصل نهضت اصلاحات پیروی می‌کنیم؛ یعنی اجازه دادن به تفسیر کتاب مقدس به وسیله کتاب مقدس (یعنی قیاس کتاب مقدس)، باید کتاب مقدس را با بخش‌هایی تعریف و تشریح کنیم که واقعاً از سوی خدا الهام شده‌اند. الهیات کتاب مقدسی؛ «رشته‌ای که اجازه می‌دهد کتاب مقدس خود کتاب مقدس را تفسیر کند و کل کتاب مقدس را بر اساس ساختارهای ادبی و عهدهای مکشوف شده‌اش می‌خواند»؛ وابسته به داشتن کتاب مقدس با مرزهای معین است.^{۲۷} بنابراین، انکار کانن، یا قرار دادن کتابهای کاننی و غیرکاننی در یک سطح، به تفسیرها و نتایج الهیاتی نادرست می‌انجامد؛ چیزی که من آن را «اثر پروانه‌ای الهیات کتاب مقدسی» نامیده‌ام.

۳. سوم، ترتیب کانن، پیام کلام خدا را آشکار می‌سازد.

اگر خدا منشأ کانن است و شکل‌گیری محتوای آن تحت مشیت الهی او بوده است، پس نباید ترتیب کلام خدا را نادیده بگیریم. به بیان دیگر، همان‌گونه که پولس می‌تواند صرفاً با توجه به اینکه شریعت موسی، ۴۳۰ سال پس از عهد با ابراهیم افزوده شد، استدلالی الهیاتی برای عادل‌شمردگی فقط به وسیله فیض ارائه کند (غلاطیان ۳:۱۷)، پس ما نیز باید تشخیص دهیم که ترتیب ادبی و تاریخی کانن کتاب مقدسی، از اهمیت تفسیری برخوردار است. به بیان دیگر، به جای اینکه کتاب مقدس را مجموعه‌ای از کتاب‌ها با ترتیبی اتفاقی بدانیم، باید بدانیم که چگونه کل کانن، یک پیام را آشکار می‌کند.

این امر در کتاب‌هایی همچون مزامیر و دوازده نبی که به عنوان انبیای صغیر نیز

کتاب مقدس و چگونه آن را بخوانیم

شناخته می‌شوند، صادق است، اما دربارهٔ کل کتاب مقدس نیز صدق می‌کند. چنانکه پژوهشگر عهدعتیق، استیون دمستر، مشاهده کرده است: «ترتیب‌های متفاوت، معانی متفاوتی پدید می‌آورند.» بنابراین، «در مقیاسی بزرگ‌تر، مفاهیم تفسیری ترتیب‌های متفاوت تنخ عبری و عهدعتیق مسیحی مورد توجه قرار گرفته است.»^{۲۸} مشاهده دمستر برای خواندن کتاب مقدس، یک امر حیاتی است؛ هرچند که فقط نکته‌ای را معرفی می‌کند که فراتر از محدودهٔ این کتابچهٔ راهنماست.

دمستر، همراه با سایر افراد، به شیوه‌ای اشاره کرده که در آن متن عبری به گونه‌ای متفاوت از کتاب مقدس انگلیسی رایج تنظیم شده است. متن عبری، بیست‌ودو کتاب دارد و کتاب مقدس انگلیسی رایج، سی‌ونه کتاب. تا به امروز، هیچ ناشری یک کتاب مقدس انگلیسی با ترتیب عبری ارائه نکرده است. با این حال، آگاهی از این تفاوت، سودمند است. زیرا نه تنها ترتیب عبری پیش از ترتیب انگلیسی بوده، بلکه این آرایش ادبی، داستانی الهیاتی را روایت می‌کند و «یک منظر تفسیری برای مشاهدهٔ محتوای آن فراهم می‌کند.»^{۲۹}

در پایان باید بگوییم که این تفاوت در ترتیب‌های کانی نباید چالشی در اطمینان ما به کتاب مقدس ایجاد کند، بلکه یادآور نحوهٔ گردآوری کتاب مقدس باشد. هنگامی که یک آیه را با آیه‌ای دیگر، قسمتی از کتاب مقدس را با قسمتی دیگر مقایسه می‌کنیم، ترتیب اهمیت دارد. این امر زمانی آشکارتر خواهد شد که به بخش چهارم برسیم (چگونه باید کتاب مقدس را بخوانیم؟)، اما پیش از پرداختن به آن، هنوز یک پرسش دیگر برای پاسخ دادن باقی مانده است: چه چیزی در کتاب مقدس هست (و نیست)؟

بحث و تأمل:

۱. این بخش چگونه ایمان شما به کلام خدا را تقویت کرد؟
۲. چگونه به دوستی پاسخ می‌دهید که گمان می‌کند اقتدار کتاب‌های اپوکریفا با شصت‌وشش کتاب کانی برابر است؟

۳

چه چیزی در کتاب مقدس هست (و نیست)؟

در اینجا تلاش نخواهم کرد به این پرسش به صورت ایجابی پاسخ دهم، زیرا پاسخ به «چه چیزی در کتاب مقدس هست؟» مستلزم توجه کامل به کل شصت و شش کتاب است. بی گمان، چنین توجهی لازم است و منابع سودمند بسیاری در این زمینه وجود دارد؛ از جمله کتاب مقدس های پژوهشی،^{۳۰} بررسی های کتاب مقدسی،^{۳۱} و سودمندتر از همه، الهیات های کتاب مقدسی. دلیل اینکه الهیات های کتاب مقدسی را سودمندتر می دانم، این است که آن ها فراتر از بررسی مطالب موجود در متن عمل می کنند؛ آن ها منظری را فراهم می آورند که به وسیله آن می توانیم کتاب مقدس را بخوانیم و پیام فراگیرش را درک کنیم. از میان همه کتاب های خوب درباره این موضوع، با این سه اثر آغاز می کنم.

- گِرم گلدزورثی، مطابق نقشه: مکاشفه مکشوف شده خدا در کتاب مقدس (۲۰۰۲) (برگرفته از Graeme Goldsworthy, *According to Plan: The Unfolding Revelation of God in the Bible* (2002))
- جیم همیلتون، جلال خدا در نجات از طریق داوری: الهیات کتاب مقدسی (۲۰۱۰)، (برگرفته از Jim Hamilton, *God's Glory in Salvation through Judgment: A Biblical Theology* (2010))
- پیتر جنتری و استیون ولوم، پادشاهی خدا از طریق عهدهای خدا: الهیات کتاب مقدسی مختصر (۲۰۱۵)، (برگرفته از Peter Gentry and Stephen Wellum, *God's Kingdom through God's Covenants: A Concise Biblical Theology* (2015))

درحالی که یک الهیات کتاب مقدسی ایجابی به همه کمک می کند که بدانند چه چیزی در کتاب مقدس هست و چگونه با یکدیگر در ارتباط هستند، دانستن اینکه چه چیزی

کتاب مقدس و چگونه آن را بخوانیم

در کتاب مقدس نیست، به همان اندازه اهمیت دارد. بدین معنا که اگر با انتظارات نادرست به سراغ کتاب مقدس برویم، در معرض خواندن اشتباه کتاب مقدس یا حتی دست کشیدن کامل از خواندن آن خواهیم بود، زیرا با پیش فرض‌های ما سازگار نیست. اما اگر بتوانیم برخی انتظارات نادرست درباره کتاب مقدس را حذف کنیم، برای خواندن درست کتاب مقدس آماده خواهیم شد.

برای کمک به پرهیز از خواندن اشتباه کتاب مقدس، اجازه بدهید پنج ملاحظه را از کوین ونهوزر ارائه کنم. ونهوزر در کتاب روشنگرانه خود، *تصاویر در یک نمایشگاه الهیاتی: صحنه‌هایی از پرستش، شهادت و حکمت کلیسا*، (برگرفته از Kevin Vanhoozer, *Pictures at a Theological Exhibition: Scenes of the Church's Worship, Witness, and Wisdom*) یادآور می‌شود که کتاب مقدس، مکالمه‌ای از سوی خدا، پدر، پسر و روح القدس، با انسان‌هایی است که به صورت او آفریده شده‌اند. به بیان دیگر، صرفاً یک متن مذهبی یا راهنمایی برای زندگی روحانی نیست. بلکه با نقل قول از جی. آی. پکر، کتاب مقدس را در یک جمله خلاصه می‌کند: «خدای پدر، خدای پسر را با قدرت روح القدس موعظه می‌کند.» با اعلام این بیانیه ایجابی، پنج چیزی را که کتاب مقدس نیست، برمی‌شمارد.^{۳۲}

۱. کتاب مقدس، کلامی از فضای بیرونی یا کپسول زمانی گذشته نیست، بلکه کلام زنده و فعال خدا برای کلیسای امروز است.
۲. کتاب مقدس همانند کتاب‌های دیگر و متفاوت از کتاب‌های دیگر است: هم گفتاری انسانی و متناسب با زمینه است و هم گفتاری مقدس که در نهایت توسط خدا نوشته شده و باید در زمینه کتب کانی خوانده شود.
۳. کتاب مقدس، فرهنگ لغاتی شامل واژگان مقدس نیست، بلکه گفتاری مکتوب است: چیزی که کسی به کس دیگر درباره چیزی به شیوه‌ای معین و برای هدفی مشخص می‌گوید.
۴. خدا کارهای گوناگونی با گفتار انسانی تشکیل دهنده کتاب مقدس انجام می‌دهد؛ اما بیش از همه، راه را برای عیسی مسیح، نقطه اوج داستان طولانی و عهدی آماده می‌سازد.
۵. خدا از کتاب مقدس، هم برای ارائه مسیح و هم برای شکل دادن مسیح در ما استفاده می‌کند.

در واقع، درک صحیح کتاب مقدس، تضمین‌کننده تفسیر یا عمل درست نیست؛ اما درک نادرست کتاب مقدس، به خطاهای کوچک و بزرگ خواهد انجامید. بنابراین باید

کتابچه راهنما

در پی آن باشیم که به درستی بفهمیم که کتاب مقدس چیست و چه هدفی را در نظر دارد؛ یعنی ما را به سوی مسیح هدایت کند و شبیه او بسازد. این بدان معناست که باید کتاب مقدس را با ایمان، امید و محبت بخوانیم؛ یا برای استخراج مفاهیم منطقی، کتاب مقدس را با این امید می خوانیم که خدایی که در کلام خود سخن گفته، در ما ایمانی را پدید می آورد که به محبت می انجامد.

به راستی، هیچ کتاب دیگری در جهان نمی تواند چنین کند. اگر با کتاب مقدس همچون کتاب های دیگر برخورد کنیم، آن را به اشتباه خواهیم خواند. ممکن است معرفت افزایش یابد، اما ایمان، امید و محبت افزایش نخواهد یافت. در عین حال، اگر به ماهیت دستور زبان و تاریخی کتاب مقدس به عنوان یک کتاب توجه نکنیم، باز هم در معرض خواندن اشتباه محتوای آن قرار خواهیم گرفت. از این رو، باید کتاب مقدس را خردمندانه بخوانیم، اما چنین حکمتی وابسته به این است که بدانیم کتاب مقدس چه چیزی هست و چه چیزی نیست.

با مراجعه به تعریف پکر از کتاب مقدس، باید بگوییم که کتاب مقدس کلام پدر به ماست، با الهام روح القدس، تا ما را به سوی پسر هدایت کند، تا به وسیله کلام خدا در واژگان انسانی، او را بشناسیم و به شباهت او درآییم. بدین سان، کتاب مقدس، کتابی است که برای برانگیختن ستایش خدای تثلیث (حمد و ثنا) و پرورش ایمان، امید و محبت در قوم خدا (شاگردی) عطا شده است. با تثبیت این دو جهت گیری، اکنون آماده ایم که نحوه خواندن کتاب مقدس را بررسی کنیم.

بحث و تأمل:

۱. آیا هرگز وسوسه شده اید که تفکر نادرستی درباره کتاب مقدس داشته باشید؟ آیا یکی از پنج موردی که در بالا ذکر شد، تفکر کنونی یا تفکر گذشته تان را توصیف می کند؟
۲. آیا کتاب مقدس را «با این امید می خوانید که خدایی که در کلام خود سخن گفته، در ما ایمانی را پدید می آورد که به محبت می انجامد»؟ این چگونه می تواند نحوه تعامل شما با کتاب مقدس را تغییر دهد؟

۴

چگونه باید کتاب مقدس را بخوانیم؟

همانند سه بخش نخست، پرسش پیش‌رو؛ چگونه باید کتاب مقدس را بخوانیم؟؛ نیازمند چیزی فراتر از آن است که بتوانیم در اینجا ارائه دهیم. با این حال، سه گام عملی برای خواندن کتاب مقدس به عنوان کلام خدا ارائه می‌کنم.

زمینهٔ دستور زبانی و تاریخی متن را بررسی کنید.
تشخیص دهید که این متن در تاریخ عهدهٔ کتاب مقدس در کجا قرار دارد. از شیوه‌ای که این متن شما را به شناختی کامل‌تر از عیسی مسیح می‌رساند، شادمان شوید.

این سه «گام» را می‌توان به عنوان افق‌های متنی، عهده و مسیح‌شناختی آیات مورد نظر دانست.^{۳۳} به ترتیب، هر یک، به عنوان پلکانی برای آشکارکردن معنای متن، جایگاه آن در تاریخ نجات و رابطه‌اش با خدایی می‌باشد که در مسیح مکشوف شده است. این سه با هم رویکردی هماهنگ برای خواندن هر بخش از کتاب مقدس را برای کسانی که مایلند اعمال آشکارشده در کلام خدا را «مطالعه» کنند، فراهم می‌کنند (مزمور ۲:۱۱).

چنین رویکرد منسجمی، سودمند است، زیرا فهم کتاب مقدس بر اساس اصطلاحات خودش نیازمند تلاش است. چون هر خوانندهٔ کتاب مقدس، پیش‌فرض‌های خود را وارد کتاب مقدس می‌کند، هر روش درستی برای خواندن، به ما کمک می‌کند که مطالب موجود در کتاب مقدس را ببینیم و از گذاشتن ایده‌ها و علایق خود در آن بپرهیزیم. برای این منظور، من این رویکرد سه‌گانه را بسیار سودمند یافته‌ام.^{۳۴} پس به هر یک از آن‌ها خواهیم پرداخت. اما پیش از برداشتن گام نخست، بگذارید کلامی

کتابچه راهنما

تشویق آمیز به کسانی بگویم که برای نخستین بار خواندن کتاب مقدس را آغاز می کنند.

آماده شدن برای خواندن کتاب مقدس: پرورش قلب برای کلام خدا

درحالی که خواندن درست کتاب مقدس به انضباط و مهارت نیاز دارد، اما این با یک عمل بسیار بنیادی آغاز می شود؛ صرفاً خواندن کتاب مقدس. همان گونه که دویدن بر خوب دویدن مقدم است و نواختن پیانو در خانه بر نواختن آن برای دیگران مقدم است، پس خواندن درست کتاب مقدس نیز با عمل ساده خواندن آغاز می شود.

بنابراین، هر کسی را که خواندن کتاب مقدس را آغاز کرده، تشویق می کنم که به خدا اعتماد کند، از او یاری بطلبد و با ایمان بخواند. خدا وعده می دهد که خودش را بر هرکسی که با قلبی راست او را بطلبد، آشکار سازد (امثال ۸: ۱۷؛ ارمیا ۲۹: ۱۳). اگر کتاب مقدس را بخوانید، متوجه خواهید شد که بدون یاری خدا نمی توانیم او را بجویم (رومیان ۱۰: ۳-۱۹)، اما همچنین متوجه خواهید شد که خدا از نشان دادن خود به کسانی که با ایمان به او نزدیک می شوند، خشنود است (متی ۷: ۷-۱۱؛ یوحنا ۶: ۳۷). خدا نسبت به کسانی که با ایمان می جویند، بخیل نیست.

با دانستن این حقیقت، کسانی که کتاب مقدس را می خوانند، باید دعا کنند و از خدا بخواهند خودش را بر آنان مکشوف سازد. روح القدس، حیات و نور می بخشد؛ و چون خواندن کتاب مقدس یک تلاش روحانی است، خوانندگان تازه کار باید خواستار یاری الهی او باشند. سپس، با ایمان به اینکه او چنین دعایی را می شنود و پاسخ می دهد، باید بخوانند، بخوانند و بیشتر بخوانند. همان گونه که رشد جسمانی نیازمند وعده های غذایی پیاپی و حرکت بدنی پیش از پدیدارشدن اندازه و نیرو در بدن است، رشد روحانی و فهم کتاب مقدسی نیز نیازمند زمان است. از این رو، مهم ترین چیز برای خواندن کتاب مقدس، تمایل به پرورش قلبی مشتاق برای کلام خداست. هیچ جایی بهتر از مزمور ۱۱۹ برای انجام این کار نیست. اگر خواندن کتاب مقدس برای شما عملی جدید است، یک بند (هشت آیه) از مزمور ۱۱۹ را بخوانید، آن را باور کنید، مطابق آن دعا کنید و سپس خواندن کتاب مقدس را آغاز نمایید.

افزون بر این، داشتن زمان، مکان و برنامه ای ثابت برای خواندن کتاب مقدس، خواندن را لذت بخش تر خواهد ساخت.^{۳۵} من در طول سال ها آموختم که خواندن کتاب مقدس صرفاً یک عادت نیست که آن را پرورش دهیم؛ بلکه یک خوراک آسمانی است که باید از آن لذت ببریم. همان گونه که برای دریافت نیروی جسمانی و لذت

کتاب مقدس و چگونه آن را بخوانیم

غذا می‌خوریم، باید به همین ترتیب از کتاب مقدس نیز لذت ببریم. چنانکه مزبور ۱۹:۱۰-۱۱ می‌گوید: «از طلا مرغوب‌تر است، حتی از زر بسیار خالص؛ از شهد شیرین‌تر است، حتی از قطرات شانهٔ عسل. خدمتگزارت نیز از آن‌ها هشدار می‌یابد، و در حفظشان پاداشی عظیم است.» با در نظر داشتن این وعده، شما را تشویق می‌کنم که بپشید و ببینید که کتاب مقدس چقدر نیکوست. در حال خواندن، سه گام بعدی را به شما ارائه می‌کنم تا در بهره‌مندی کامل از خواندن خوب کتاب مقدس به شما کمک کند.

افق متنی: کشف معنای متن

خواندن خوب کتاب مقدس، با متن آغاز می‌شود. متن کلیدی برای مشاهدهٔ تفسیر کتاب مقدسی در عمل، نحما ۸ است. نحما ۸:۸ در وصف عمل کاهنانی که مأمور تعلیم دادن به قوم اسرائیل بودند (لاویان ۱۱:۱۰)، چنین می‌گوید: «آنان از کتاب، یعنی از تورات خدا، می‌خواندند و آن را توضیح داده، مفهومش را بیان می‌کردند تا مردم آنچه را که قرائت می‌شد، دریابند.» در زمینهٔ تاریخی، هنگامی که قوم از تبعید بازگشتند، به بازآموزی طریق‌های خدا نیاز داشتند. حتی پیش از تبعید نیز توجه به شریعت از میان رفته بود (مقایسه کنید با دوم تواریخ ۸:۲۱-۳۴)، و اکنون که از اسارت‌رهایابی یافته بودند، پسران اسرائیل عملکرد بهتری نداشتند. زبان عبری در

یافتن جایگاه ما در کتاب مقدس

افق ادبی. از آنجا که کتاب مقدس با دستور زبان، نحو، و ساختارهای ادبی نوشته شده است، باید از ماهیت ادبی متن آغاز کنیم. این مانند نشانی خیابان است.

افق عهدی. از آنجا که کتاب مقدس در قالب عهدها آشکار می‌شود، باید نشانی عهدی متن را تشخیص دهیم. این مانند شهر است.

افق کانی. در نهایت، از آنجا که تمامی کتاب مقدس یک روایت واحد و یکپارچه از رستگاری است، باید ببینیم که متن چه سهمی در کل این روایت ایفا می‌کند. این مانند ایالت است.

تبعید از بین رفته بود؛ آرامی زبان رایج (*acnarf augnil*) جدید بود؛ از این‌رو نحما درخواست کرد که شریعت را بخوانند و کاهنان «معنی» آن را بیان می‌کردند.

این رهبران لاوی مانند عزرا (عزرا ۷:۱۰)، به مردم کمک کردند که شریعت خدا را بفهمند و به‌کار بندند. چنانکه شریعت به آنان فرمان داده بود (لاویان ۱۱:۱۰)، مفهوم شریعت را توضیح می‌دادند. بنابراین ما نمونه‌ای حقیقی از تفسیر کتاب مقدسی را داریم که در آن متن، سطر به سطر توضیح داده می‌شود. به‌طور خاص، معنای یک آیه در نثر، شعر و گزاره‌های موجود در جمله‌ها، بندها و ابیات شعر یافت می‌شود.

کتابچه راهنما

به اختصار، خواندن کتاب مقدس با توجه به زمینه ادبی و تاریخی آیات مورد نظر آغاز می‌گردد.

به طرز مهمی، این شیوه خواندن صرفاً خارج از کتاب مقدس پدید نیامده، بلکه در درون آن یافت می‌شود. تثنیه و عبرانیان، هر دو تفسیر کتاب مقدس را نشان می‌دهند که شیوه‌ای دیگر برای توصیف خواندن دقیق و کاربردی کتاب مقدس است. برای نمونه، تثنیه ۶-۲۵ ده فرمان را شرح می‌دهد (خروج ۲۰؛ تثنیه ۵) و عبرانیان، موعظه‌ای است که آیات متعددی از عهدعتیق را تفسیر کرده و مرتبط می‌سازد.^{۳۶}

بر این اساس، می‌توانیم از کتاب مقدس بیاموزیم که چگونه آن را بخوانیم. هنگامی که کتاب مقدس را می‌خوانیم، باید از افق متنی آغاز کنیم، جایی که به نیت نویسنده، زمینه تاریخی مخاطبان و هدف کتابی که از نویسنده به مخاطب نوشته شده، با دقت توجه می‌کنیم. بدین‌سان، نخست باید به آنچه نویسنده می‌گوید، توجه کنیم (افق متنی) و سپس به زمانی که آن را می‌گوید (افق عهدی).

افق عهدی: تشخیص موضوع داستان تاریخ عهد خدا

تمرکز را از روی افق متنی برداشته و به افق عهدی می‌پردازیم، یا چیزی که برخی آن را «افق دوره‌ای» نامیده‌اند.^{۳۷} این افق تصدیق می‌کند که کتاب مقدس صرفاً فهرستی از حقایق ماندگار نیست. بلکه شهادتی است که به تدریج درباره نجات خدا در تاریخ آشکار شده است. این کتاب عمداً در راستای وعده چندوجهی نوشته شده که در مسیح تحقق یافت. چنانکه اعمال ۱۳: ۳۲-۳۳ می‌گوید: «اکنون ما به شما بشارت می‌دهیم که خدا آنچه را که به پدران ما وعده داده بود، با برخیزانیدن عیسی، برای ما که فرزندان ایشانیم وفا کرد.»

در سده‌های اخیر، این مکاشفه تدریجی گاهی به صورت مجموعه‌ای از معافیت‌ها یا عهد‌ها توصیف شده است. اگرچه سنت‌های گوناگون، درک متفاوتی از عهد‌های کتاب مقدس داشته‌اند، اما کتاب مقدس بی‌تردید سندی عهدی است که از دو عهد تشکیل شده و بر عهد جدید عیسی مسیح متمرکز است. بنابراین، درک موضوع داستان کتاب مقدس به عنوان مجموعه‌ای از عهد‌ها مناسب است. در حقیقت، با نگاهی کلی به کتاب مقدس، می‌توانیم تاریخ نجات را در قالب شش عهد ترسیم کنیم که همگی به عهد جدید مسیح می‌انجامند.

کتاب مقدس و چگونه آن را بخوانیم

- عهد با آدم
- عهد با نوح
- عهد با ابراهیم
- عهد با اسرائیل (به واسطه موسی)
- عهد با لاویان (یعنی عهد کهنات) عهد با داوود
- عهد جدید (به واسطه عیسی مسیح)

این عهد‌ها، به ترتیب زمانی فهرست شده‌اند و می‌توان نشان داد که از وحدت اساسی و توسعه الهیاتی با مرور زمان برخوردارند. برای خواندن کتاب مقدس باید پرسیم: «این متن در چه زمانی رخ می‌دهد و کدام عهد‌ها برقرارند؟»

این پرسش از خواننده می‌خواهد که در درک عهد‌ها، ساختار آن‌ها، الزامات‌شان و وعده‌های برکت و لعنت رشد کند. بدین‌گونه، عهد‌ها همچون صفحات ساختاری کتاب مقدس عمل می‌کنند. شناخت محتوای آن‌ها، آگاهی فزاینده‌ای از پیام کتاب مقدس و مسیر آن به سوی عیسی مسیح فراهم می‌آورد.

افق مسیح‌شناختی: شادمانی در خدا از طریق شخص و کار مسیح

در کتاب مقدس از آغاز گرایش رو به آینده وجود دارد که خواننده را به سوی جست‌وجوی مسیح هدایت می‌کند. یعنی از پیدایش ۱۵:۳ که خدا نجات را از طریق ذریت زن وعده می‌دهد، کل کتاب مقدس با حروف مورب نوشته شده؛ یعنی به سوی پسر که خواهد آمد، متمایل است. چنانکه عیسی به شاگردان خود تعلیم داد، کل کتاب مقدس به او اشاره می‌کند (یوحنا ۵:۳۹)، بنابراین برای تفسیر درست هر بخش باید ببینیم که چگونه به‌طور طبیعی با مسیح مرتبط است. این همان کاری است که عیسی در راه عمانوس (لوقا ۲۴:۲۷)، در بالاخانه (لوقا ۲۴:۴۴-۴۹) و همه رسولانش پس از او انجام دادند و تعلیم دادند.

برای دیدن این شیوه مسیح‌شناختی در خواندن عهدعتیق، می‌توانید به موعظه‌های اعمال رسولان مراجعه کنید. برای نمونه، در روز پنتیکاست، پطرس توضیح می‌دهد که چگونه نزول روح القدس، تحقق یوئیل ۲ (اعمال ۲:۱۶-۲۱)، قیام مسیح تحقق مزمور ۱۶ (اعمال ۲:۲۵-۲۸) و صعود مسیح تحقق مزمور ۱۱۰ (اعمال ۲:۳۴-۳۵) است. همچنین هنگامی که پطرس در ایوان سلیمان، در اعمال ۳ موعظه می‌کند، عیسی را به‌عنوان نبی‌ای مانند موسی معرفی می‌کند که در تثیبه ۱۸:۱۵-۲۲ نبوت شده بود (مراجعه کنید به اعمال ۳:۲۲-۲۶). به‌طور جامع‌تر، وقتی پولس در روم، در

کتابچه راهنما

حبس خانگی بود، اعمال ۲۳:۲۸ گزارش می‌کند که چگونه رسول زندانی، کتاب مقدس را تفسیر می‌کرد و «درباره پادشاهی خدا با آنان سخن گفت و کوشید با استناد به تورات موسی و کتب پیامبران، درباره عیسی مجابشان کند.» خلاصه، موعظه‌های اعمال، نمونه‌های فراوانی از نحوه خواندن مسیح‌شناختی عهدعتیق توسط رسولان را نشان می‌دهند.

بی‌تردید، این رویکرد مسیح‌محور درباره تفسیر می‌تواند به شکل بدی به کار رود یا به شکل بدی توصیف شود. اما اگر به درستی فهمیده شود، نشان می‌دهد که چگونه شصت‌وشش کتاب گوناگون، در انجیل عیسی مسیح یکپارچه می‌شوند. کتاب مقدس یکپارچه است، زیرا از یک خدا می‌آید؛ حتی فراتر از آن، زیرا همگی به یک خدا-انسان، عیسی مسیح، اشاره می‌کنند. چون این یک کتاب انسانی با وعده‌های فیض‌بخش برای کل بشریت است، تمام کتاب مقدس به مسیحی موعود اشاره دارد که میانجی بین خدا و انسان است.

برای پیوند این سه افق باید گفت هر متنی جایگاهی در چارچوب عهدی کتاب مقدس دارد که ما را به مسیح می‌رساند. از این رو، هر متنی به طور اساسی با ستون فقرات عهدی کتاب مقدس مرتبط است و غایت (*telos*) خود را در مسیح از طریق پیشروی عهدهای کتاب مقدسی می‌یابد. اگر این سه افق را در کنار یکدیگر قرار ندهیم، از فهم شیوه خواندن کتاب مقدس بازمی‌مانیم. در عین حال، ترتیب این افق‌ها نیز اهمیت دارد. مسیح به زمان گذشته، به اسرائیل منتقل نمی‌شود و نباید صرفاً پیوندهای سطحی برقرار کنیم، مانند رنگ سرخ نخ در پنجره راحاب (یوشع ۱۸:۲). بلکه باید کل رویداد راحاب (یوشع ۲) را در پرتو پسخ (خروج ۱۲) درک کنیم و سپس از پسخ به مسیح برسیم.

این پیش‌فرض «مسیح در پایان» (مسیح‌شناختی، *Christotelic*) بر این باور تفسیری استوار است که تمام کتاب مقدس، همه عهدها و گونه‌شناسی‌ها به عیسی می‌انجامد. بنابراین مفاهیم تفسیری عظیمی دارد. این می‌گوید هیچ تفسیری کامل نیست، مگر اینکه به مسیح برسد. هر کاربردی که از عهدعتیق به ما می‌رسد و شخص و کار مسیح را نادیده می‌گیرد، اساساً نادرست است. همچنین منشأ نیروی همه کاربردهای عهدجدید، از مسیح، عهدی که او میانجی آن است و روح‌القدس است که او می‌فرستد. پس همه تفسیرهای راستین کتاب مقدس باید برگرفته از متن و مرتبط با عهدها باشند تا ما را به دیدن و چشیدن عیسی مسیح برسانند.

کتاب مقدس و چگونه آن را بخوانیم

این همان شیوه خواندن کتاب مقدس است؛ بارها و بارها و بارها!

بترس و مترس، بلکه بردار و بخوان

در پایان این کتابچه راهنما می‌توانم تصور کنم که پیرو صادق مسیح یا کسی که درحال بررسی ادعاهای مسیح است، ممکن است خود را برای خواندن کتاب مقدس، بی‌کفایت قلمداد کند. به‌گونه‌ای خلاف انتظار می‌خواهم چنین احساساتی را تأیید کنم. نزدیک‌شدن به خدا بر کوه سینا، واقعیتی هراس‌آور بود. هرچند امروز در شخص عیسی مسیح، یک میانجی داریم، اما نزدیک‌شدن به خدا در کلامش همچنان امری فیض‌بخش و ترسناک است (عبرانیان ۱۲: ۱۸-۲۹). از این‌رو باید با حرمت و هیبت به کلام خدا نزدیک شویم.

در عین حال، چون مسیح زنده است تا برای کسانی که آنان را به‌سوی خود فرا می‌خواند، شفاعت کند، نباید بترسیم. خدا با گناهکارانی که به او ایمان می‌آورند و در کلامش او را می‌جویند، با رحمت برخورد می‌کند. بنابراین خواندن کتاب مقدس، عملی ترسناک نیست. مادامی که با فروتنی نزد خدا می‌رویم، سرشار از فیض، امید، حیات و آرامش است.

در حقیقت، هیچ‌کس به خودی خود برای خواندن کتاب مقدس کفایت ندارد. خواندن راستین کتاب مقدس، وابسته به این است که خدای تثلیث، خود را به ما بشناساند و ما برای دریافت فیض خواندن درست کلام خدا دعا کنیم.

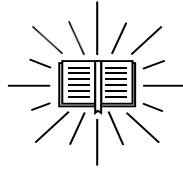
در جهانی مملو از اختلالات بی‌پایان و صداهای رقابت‌کننده، حتی فرصت و تصمیم‌گیری برای خواندن کلام خدا دشوار است. از این‌رو، هنگامی که برای خواندن کتاب مقدس می‌کوشیم، باید با این اطمینان که خدا می‌تواند از میان این هیاهو سخن بگوید، این کار را انجام دهیم و باید با دعا از او یاری بطلبیم. برای همین، این سخن پایانی درباره خواندن کتاب مقدس را از توماس کرنر (۱۴۸۹-۱۵۵۶) عرضه می‌کنم.

او در موعظه‌ای تشویق‌آمیز درباره جایگاه خواندن کتاب مقدس، بر خواندن مکرر، به‌علاوه نیاز به فروتنی در خواندن کتاب مقدس تأکید کرد. درحالی‌که خواندن کتاب مقدس را آغاز می‌کنیم، اجازه بدهید این سخنان ما را تشویق کنند تا با فروتنی صبورانه و اطاعت آن را درک کنیم، چنانکه بهره ما از کتاب مقدس، به ستایش خدای زنده‌ای بینجامد که هنوز از طریق کتاب مقدس سخن می‌گوید.

اگر یک بار، دوبار یا سه بار خواندیم و درک نکردیم، دست نکشیم، بلکه همچنان به خواندن، دعا کردن، پرسیدن از دیگران ادامه دهیم و با کوبیدن مداوم، سرانجام در گشوده خواهد شد، چنانکه آگوستین قدیس می‌گوید. اگرچه بسیاری از مطالب کتاب مقدس به صورت رازهای مبهم بیان شده، اما آنچه که در یک جا در پسی رازهای تاریک بیان شده، در جایی دیگر با وضوح و سادگی بیشتری برای درک افراد تحصیل کرده و غیرتحصیل کرده بیان شده است. وظیفه هر انسانی در قبال آنچه در کتاب مقدس قابل درک و برای نجات ضروری است، این است که آن را بیاموزد، به خاطر بسپارد و به طور مؤثر به کار گیرد؛ و درباره رازهای مبهم، به ناآگاهی درباره آن‌ها راضی باشد، تا زمانی که خدا بخواهد آن‌ها را بر او آشکار سازد. ... و اگر می‌ترسید که در خواندن کتاب مقدس دچار اشتباه شوید، به شما نشان می‌دهم که چگونه بدون خطر اشتباه کردن، آن را بخوانید. آن را با فروتنی و قلبی حلیم و متواضع بخوانید و به این بیندیشید که با شناخت آن، خدا را جلال دهید، نه خودتان را؛ و بدون دعای روزانه در نزد خدا، آن را نخوانید، دعا برای اینکه خدا خواندن شما را به سوی تأثیری نیکو هدایت کند؛ و بیش از آنچه آشکارا می‌فهمید، در تفسیر آن پیش نروید. پیش‌فرض و تکبر، مادر همه خطاهاست؛ و فروتنی از هیچ خطایی بیم ندارد. زیرا فروتنی تنها برای شناخت حقیقت جست‌وجو می‌کند؛ جست‌وجو می‌کند و یک بخش را با بخشی دیگر مقایسه می‌کند؛ و هر جایی که معنایی را نیابد، دعا می‌کند، از دیگرانی که آگاهی دارند، می‌پرسد و با شتاب و گستاخی، چیزی را که نمی‌داند، تعریف نمی‌کند. بنابراین انسان فروتن می‌تواند هر حقیقتی را در کتاب مقدس با شجاعت بجوید، بی‌آنکه در خطر ارتکاب خطا باشد.^{۳۸}

بحث و تأمل:

۱. آیا چیزی در این بخش به شما کمک کرد تا کتاب مقدس را وفادارانه‌تر بخوانید؟
۲. کدام یک از سه افق برای شما سودمندتر بود؟
۳. برنامه شما برای خواندن منظم کتاب مقدس چیست؟



یادداشت‌های پایانی

۱. گاهی این دیدگاه که مکاشفه خدا در پایان عصر رسالتی متوقف شده، «توقف‌گرایی» نامیده می‌شود. برای بحثی سودمند درباره این موضع، مراجعه کنید به توماس آر. شراینر، *عطایای روحانی: چه چیزهایی هستند و چرا اهمیت دارند* (نشویل: B&H، ۲۰۱۸)، ۶۹-۱۵۵، (برگرفته از Thomas R. Schreiner, *Spiritual Gifts: What They Are and Why They Matter* (Nashville: B&H, 2018))
۲. برای کسانی که می‌خواهند جایگاه کتاب مقدس در آمریکا و تأثیر آن بر شهروندان این ملت را بررسی کنند، این کتاب ارزش مطالعه دارد: Mark Noll's book, *America's Book: The Rise and Decline of a Bible Civilization, 1794-1911* (New York: Oxford University Press, 2022)
۳. Stephen J. Nichols, *The Reformation: How a Monk and a Mallet Changed the World* (Wheaton, IL: Crossways, 2007).
۴. البته الهیات خود او در سال ۱۵۱۷ هنوز تبلور نیافته بود. اما تا سال ۱۵۲۰، به جایگاهی دست یافته بود که پنج اصل اساسی نهضت اصلاحات را تأیید و درک می‌کرد: نجات تنها به وسیله فیض، تنها از طریق ایمان، تنها در مسیح، تنها بر اساس کتاب مقدس و تنها برای جلال خداست. از این رو، *سولا گراتیا* (*sola gratia*)، *سولا فیده* (*sola fide*)، *سولوس کریستوس* (*solus Christus*)، *سولا اسکریپتورا* (*sola Scriptura*) و *سولی دئو گلوریا* (*soli Deo Gloria*).
۵. LW32:112. Cited in Matthew Barrett, ed., *Reformation Theology: A Systematic Survey* (Wheaton IL: Crossway, 2017), ##.
۶. John Calvin, *Institutes of the Christian Religion*, ed. John T. McNeill, trans. Ford Lewis Battles (Louisville: Westminster John Knox, 1960), 1.7.5.

۷. نقل شده از Barrett, *Reformation Theology*, 172.
۸. Richard N. Soulen, *Handbook of Biblical Criticism*, 2nd Ed. (Louisville, KY: Westminster John Knox, 2011), 37.
۹. Paul Wegner, *The Journey from Texts to Translations: The Origin and Development of the Bible* (Grand Rapids: Baker Academic, 2004), 101.
۱۰. تورات، نبیئیم، و کتوبیم، تشکیل دهنده تنخ، یعنی کتاب مقدس عبری است.
۱۱. Andreas Köstenberger, Darrell Bock, and Josh Chatraw, *Truth Matters: Confident Faith in a Confusing World* (Nashville: B&H Academic, 2014), 45.
۱۲. امروزه واژه «vulgar» با گفتار زشت یا توهین آمیز مرتبط است، اما در لاتین واژه *vulgaris* به معنای رایج یا متعلق به توده مردم بود. از این رو، وولگات، کتاب مقدسی بود که به زبان رایج نوشته شده بود.
۱۳. F. F. Bruce, *The Canon of Scripture* (Downers Grove, IL: InterVarsity, 1988), 87-93.
۱۴. به طور دقیق تر، او بیست و دو کتاب از کتاب مقدس عبری را شماره گذاری کرد و انبیای صغیر را یک کتاب به شمار آورد و برخی کتاب های انگلیسی (مانند اول-دوم تواریخ و عزرا-نحمیا) را نیز یک کتاب محسوب کرد. در ادامه، به این شیوه شمارش بازمی گردیم.
۱۵. به طور دقیق تر، جروم در واقع دو نوع کتاب را خارج از کتاب مقدس می دید؛ کتاب هایی که تأثیر تهذیب کنند در کلیسا داشتند و کتاب هایی که باید کاملاً از آن ها پرهیز می شد (Bruce, *The Canon of Scripture*, 90). از این رو در مقدمه تفسیر خود برای امثال، جامعه و غزل غزل ها می نویسد: «در حالی که کلیسا حقیقتاً یهودیت، طوبیت و کتاب های مکابیان را می خواند، اما آن ها را در شمار کتاب های کانی نمی پذیرد، پس این دو مجلد نیز برای تهذیب قوم خوانده شوند، نه برای تثبیت اقتدار اصول عقاید کلیسایی» (نقل قول شده در Bruce, *The Canon of Scripture*, 91-92).
۱۶. Bruce, *The Canon of Scripture*, 98-100.
۱۷. Bruce, *The Canon of Scripture*, 101-04.
۱۸. Bruce, *The Canon of Scripture*, 105.
۱۹. بروس به طرز جالبی اشاره می کند که بسیاری از پژوهشگران کاتولیک روم نیز ماهیت «کانن ثانی» بودن کتب اپوکریفا را می پذیرند (Bruce, *The Canon of Scripture*, 105). باین حال، درک روم از کتاب مقدس و سنت، اپوکریفا را برای

کتاب مقدس و چگونه آن را بخوانیم

- تعیین آموزه، در سطح کتاب مقدس قرار می‌دهد.
۲۰. Bruce, *The Canon of Scripture*, 51–54.
۲۱. Köstenberger, et al., *Truth Matters*, 52–53.
۲۲. Bruce, *The Canon of Scripture*, 228 نقل قول شده توسط
۲۳. کانن موراتوری (حدوداً سال ۱۹۰ میلادی) بیست و یک کتاب از عهد جدید را فهرست کرده بود. Bruce, *The Canon of Scripture*, 158–69.
۲۴. Bruce, *The Canon of Scripture*, 50.
۲۵. Jerome, *Epistle* 53.9. Cited in Bruce, *The Canon of Scripture*, 225.
۲۶. B. B. Warfield, "‘It Says:’ ‘Scripture Says:’ ‘God Says:’" in *The Inspiration and Authority of the Bible*, and (Phillipsburg, NJ: P&R, 1948), 299–348.
۲۷. الهیات کتاب مقدسی را می‌توان چنین تعریف کرد: «رشته‌ای که اجازه می‌دهد کتاب مقدس خود کتاب مقدس را تفسیر کند و کل کتاب مقدس را بر اساس ساختارهای ادبی و عهدهای مکشوف شده‌اش می‌خواند.»
<https://christoverall.com/article/concise/the-butterfly-effect-how-biblical-theology-makes-systematic-theology-more-or-less-biblical>
۲۸. Stephen Dempster, *Dominion and Dynasty: A Theology of the Hebrew Bible* (Downers Grove, IL: InterVarsity, 2003), 35.
۲۹. دمستر با پیروی از راجر بک‌ویث، کانن عهد عتیق از عهد جدید (گرنر رپیدز، میشیگان: اردمنز، ۱۹۸۴)، (برگرفته از Roger Beckwith, *The Old Testament Canon of the New Testament* (Grand Rapids, MI: Eerdmans, 1984))، در سلطه و دودمان، (برگرفته از Dempster, *Dynasty* and *Dominion*), ۳۵، می‌نویسد: «بی‌تردید کهن‌ترین ترتیب، همان کانن عبری بود و شواهد محکمی وجود دارد که این همان کتاب مقدس عیسی مسیح بوده است.»
۳۰. کتاب مقدس پژوهشی منتخب من *ESV Study Bible* است.
۳۱. بررسی‌های کتاب مقدسی، اطلاعاتی درباره نویسنده، مخاطب و هدف هر کتاب در کتاب مقدس فراهم می‌کنند. دو بررسی برجسته کتاب مقدس عبارتند از Tremper Longman III and Raymond Dillard, *An Introduction to the Old Testament* (Grand Rapids: Zondervan Academic, 2006) و دی. ای. کارسون و Douglas J. Moo, *An Introduction to the New Testament* (Grand Rapids: Zondervan Academic, 2005).

۳۲. Kevin J. Vanhoozer, *Pictures at a Theological Exhibition: Scenes of the Church's Worship, Witness, and Wisdom* (Downers Grove, IL: IVP Academic, 2016), 79–80.

۳۳. این «سه افق»، متناوباً متنی، دوره‌ای و کانی نیز نامیده شده‌اند.

۳۴. دیوید شروک، «سه واژه مهمی که در دانشکده الهیات آموختم: متنی، دوره‌ای، کانی»، ۹ نشانه (Marks۹)، <https://www.9marks.org/article-the-three-most-important-words-i-learned-in-seminary-textual-epochal-canonical>.

۳۵. برای دریافت مجموعه‌ای از برنامه‌های خوب برای خواندن کتاب مقدس، به برنامه‌های گوناگون ارائه‌شده توسط ترجمه کتاب مقدس ESV مراجعه کنید. همچنین، برنامه خواندن E-100 (صد چالش اساسی) از Scripture Union، بهترین نقطه آغاز برای آشنایی اشخاص با کل کتاب مقدس است. با صد گزیده از کتاب مقدس، خواننده را در کل کائنات کتاب مقدس هدایت می‌کند.

۳۶. Scott Redd, "Deuteronomy," in *A Biblical-Theological Introduction to the Old Testament*, ed. Miles Van Pelt (Wheaton, IL: Crossway, 2016), 141; Dennis Johnson, *Him We Proclaim: Preaching Christ from All the Scriptures* (Phillipsburg, NJ: P&R, 2007), 167–97.

۳۷. من اصطلاح «عهدی» را ترجیح می‌دهم، زیرا بر واژگان خود کتاب مقدس، یعنی عهدها، تمرکز دارد، نه دوره‌ها.

۳۸. Barrett, *Reformation Theology*, 184 نقل قول شده در



دیوید شروک شبان واعظ و الهیاتی در کلیسای کتاب مقدس اوکوآن در وودبریج، ویرجینیا است. او دو بار از دانشکده الهیات باپتیست جنوبی فارغ التحصیل شده است. عضو بنیان‌گذار هیئت علمی الهیات در دانشکده الهیات ایندیاناپولیس است. همچنین سردبیر ارشد Christ Over All و نویسنده کتاب‌های متعدد، از جمله، *کهنانت شاهانه و جلال خدا (The Royal Priesthood and Glory of God)* است. او در DavidSchrock.com مطلب می‌نویسد.

